

## عدول از صلاحیت محلی

### در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه\*

□ روح‌الله سپهری<sup>۱</sup>

#### چکیده

یکی از اصول و قواعد مهم در فرایند دادرسی کیفری، موضوع صلاحیت مراجع قضایی است. این اصل از اصل مهم دیگر، یعنی اصل قانونی بودن دادگاه نشئت می‌گیرد و جزء قواعد آمره در دادرسی کیفری محسوب می‌شود، به گونه‌ای که طرفین دعوی به هیچ وجه نمی‌توانند مغایر آنچه قانون برای یک دادگاه تعیین صلاحیت نموده، توافق نمایند. این مطلب از موارد تمیز دادرسی کیفری از دادرسی مدنی نیز محسوب می‌شود. با این حال در آیین دادرسی کیفری و در بحث صلاحیت محلی، مقنن بنا به مقتضیات و موارد خاص، مجوز عدول از قاعده مذکور را به برخی مقامات و در شرایطی خاص و معین اعطا نموده است. این امر به عنوان نقض قاعده صلاحیت محلی، در واقع استثنایی بر قاعده مذکور است. این موضوع در دو نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به ماهیت استثنایی موضوع، توجیهات قوی و محکم جهت رفع صلاحیت از یک مرجع

قضایی که مطابق قانون از آن برخوردار است، نیاز است. یکی از مهم‌ترین این توجیحات، مقوله‌ی مراعات نظم و امنیت عمومی است که از سوی هر دو مقنن ایرانی و فرانسوی با تفاوت‌هایی مطرح گردیده است. در مواردی، سهولت رسیدگی و تسریع در فرایند تحقیقات می‌تواند توجیه‌کننده این نقض قاعده باشد. در این پژوهش سعی شده ضمن پرداختن به این توجیحات و مقایسه آن‌ها در دو نظام حقوقی مذکور، میزان و موارد گرایش هر دو مقنن در تجویز این موضوع استثنایی در فرایند دادرسی کیفری بررسی شود. شناخت و مقایسه این موضوع، نقش مهمی در جهت تضمین حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه به عنوان بازیگران اصلی فرایند دادرسی کیفری ایفا می‌کند.

**واژگان کلیدی:** دادرسی کیفری، صلاحیت محلی، صلاحیت دادگاه، استثناء، نقض، نظم و امنیت عمومی.

#### مقدمه

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، درخوری، سزاواری و اهلیت تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۸/۸۹۱). در اصطلاح آیین دادرسی، عبارت از اختیاری است که قانون به دادگاهی می‌دهد تا به موجب آن به دعوایی رسیدگی کند. به عبارت دیگر، شایستگی قانونی دادگاه برای رسیدگی به دعوایی خاص در اصطلاح حقوقی صلاحیت نامیده می‌شود. در آیین دادرسی کیفری، یک تقسیم‌بندی اساسی و مهم در تعیین صلاحیت قانونی دادگاه مطرح است و آن صلاحیت ذاتی و محلی دادگاه می‌باشد. اولین موضوع در بحث صلاحیت دادگاه، تعیین صلاحیت ذاتی دادگاه است. تعریف مشخصی از این نوع صلاحیت در قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲ همانند قوانین سابق ارائه نشده است. اما با توجه به مواد قانونی متعدد که به نوعی به صلاحیت ذاتی اشاره دارند، می‌توان گفت که مهم‌ترین مبنا در تفکیک و تشخیص صلاحیت ذاتی دادگاه، نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات است. مقنن گاه دسته‌ای از جرایم را احصا نموده و دادگاهی اختصاصی برای رسیدگی به آن‌ها تشکیل می‌دهد. نمونه عینی آن در قانون آ.د.ک. ایران، دادگاه انقلاب است.<sup>۱</sup>

۱. ماده ۳۰۳ قانون آ.د.ک. «(ب) جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود: الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛ ب- توهین به مقام بنیان‌گذار ا.ا. و مقام رهبری؛ پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، مواد روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل؛ ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.»

در مواردی میزان و شدت مجازات، مبنای تعیین صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد. تقسیم‌بندی دادگاه‌ها به دادگاه کیفری یک و دو در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ از این حیث است.<sup>۱</sup> شایان ذکر است که در این مورد می‌توان گفت که تنها صلاحیت دادگاه بالاتر (کیفری یک) نسبت به دادگاه پایین‌تر (کیفری دو) ذاتی محسوب می‌شود و برعکس آن جاری نیست؛ زیرا به موجب تبصره ۲ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک. «چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ این قانون در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی قرار گیرد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌کند».

پس از تعیین صلاحیت ذاتی، نوبت به تعیین صلاحیت محلی می‌رسد. پس نوعی دیگر از صلاحیت که همراه با صلاحیت ذاتی مجموعاً تعیین‌کننده صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده است، صلاحیت محلی نام دارد که از آن به صلاحیت نسبی هم یاد می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۰/۲).

قواعد صلاحیت در دادرسی کیفری جزء قواعد آمره‌اند. برخی از نتایج این آمرانه بودن را می‌توان بدین شرح بیان نمود: ۱. مرجع صالح به رسیدگی را قانون تعیین می‌کند. افراد ذی‌نفع در دادرسی، مقامات و مسئولان قضایی حق تعیین مرجعی را غیر از مرجعی که قانون تعیین نموده است، ندارند؛ ۲. تشخیص صلاحیت هر مرجع کیفری برای رسیدگی، با خود همان مرجع است؛ ۳. ایراد عدم صلاحیت در تمام مراحل دادرسی کیفری مسموع است.

صلاحیت محلی یک دادگاه را قلمرو و فضای جغرافیایی‌ای دانسته‌اند که در آن دادگاه قادر به اعمال صلاحیت ذاتی خود است (آشوری، ۱۳۸۹: ۷۶/۲). این قلمرو جغرافیایی با توجه به مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود. در قانون آ.د.ک.،

۱. ماده ۳۰۲ قانون آ.د.ک.:: «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات؛ ب- جرایم موجب حبس ابد؛ پ- جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دینه کامل یا بیش از آن؛ ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛ ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی».

قانون‌گذار در ماده ۱۱۶ ضمن تذکر این نکته که بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می‌کند، جهات قانونی برای شروع به تحقیق را در موارد ذیل بیان داشته است:

- الف) جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شده باشد.
  - ب) جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.
  - پ) جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.
- هرچند قانون‌گذار موارد فوق را به عنوان جهات قانونی شروع به تحقیق مدنظر قرار داده است،<sup>۱</sup> در ادامه در ماده ۱۱۷ مقرر داشته است:

در مواردی که جرم در خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شده باشد، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورد و در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می‌کند، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم حداکثر ظرف ۴۸ ساعت به دادسرای محل وقوع جرم می‌فرستد.

بدین ترتیب در مواردی که جرمی خارج از حوزه قضایی بازپرس واقع شده باشد لیکن در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شده باشد، موظف است تحقیقات مقتضی را انجام دهد و پرونده را همراه با متهم نزد بازپرس محل وقوع جرم ارسال کند.<sup>۲</sup>

۱. لازم به ذکر است که بر خلاف مقنن فرانسوی که سه حالت مذکور را از موارد صلاحیت محلی رسیدگی دادسرا و دادگاه دانسته، مقنن ایرانی آن‌ها را صرفاً جزء جهات شروع به تحقیق قلمداد نموده است.

۲. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۸۳۷، مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۰ «رسیدگی به جرایم باید در دادگاهی باشد که جرم در حوزه آن واقع شده است. در صورت وقوع جرم در حوزه قضایی استان پنجم، رسیدگی به آن در دادگاه شهرستان بروجرد که جزو حوزه قضایی استان ششم است وجهه قانونی ندارد» و نیز به موجب رأی شماره ۳۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور «انتزاع محل وقوع بزه از حوزه قضایی دادگاهی که در حال رسیدگی است موجب نفی صلاحیت از آن دادگاه نمی‌باشد».

صالح شناختن محل دستگیری متهم جهت جلوگیری از خروج متهم از دست عدالت صورت گرفته است. اقدام قانون گذار در صالح شناختن محل وقوع جرم از این توجیه برخوردار است که اولاً جرم نظم عمومی محل را در مقایسه با سایر مناطق بیشتر به هم زده است، ثانیاً دلایل وقوع جرم نوعاً در محل وقوع قرار دارند و جمع آوری آنها آسان تر است (رحمدل، ۱۳۹۳: ۱۴۹/۲). مشابه همین رویه در بحث صلاحیت محلی دادگاه در ماده ۳۱۰ قانون آ.د.ک.<sup>۱</sup> مطرح گردیده و مقرر داشته است: «متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شود...».

بر خلاف مقنن ایرانی، در قانون آ.د.ک. فرانسه، ضابطه و معیار صلاحیت محلی دادسرا یا دادگاه، نه فقط محل وقوع جرم بلکه محل اقامت یکی از اشخاص مظنون به مشارکت در جرم، همچنین محل دستگیری یکی از این اشخاص (حتی اگر این دستگیری به دلیل دیگری باشد) و محل بازداشت یکی از این اشخاص (حتی هنگامی که بازداشت به علت دیگری صورت گرفته باشد) تعیین گردیده است<sup>۲</sup> که بر خلاف قانون آ.د.ک. ایران شرایط سهل تری برای صلاحیت محلی در نظر گرفته است.

با وجود وضع مقررات متعدد و تعیین قواعد در بحث صلاحیت محلی، در مواردی استثنایی شاهد عدول از این قواعد بنا به دلایلی هستیم. آنچه در مجموعه موارد عدول از صلاحیت محلی در قوانین ایران و فرانسه به چشم می خورد، سه حالت استثنایی است: الف) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب، ب) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار شرایطی عمومی، ج) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار نوع جرم ارتكابی.

### الف) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب

نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب از مواردی است که در نظام دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ غیر

۱. ماده ۵۴ قانون منسوخ آ.د.ک. ۱۳۷۸: «متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است...».

۲. ماده ۴۳ قانون آ.د.ک. فرانسه (مقنن فرانسوی در این ماده از دو وضعیت دستگیری (arrestation) و بازداشت (detention) استفاده نموده و به نظر می رسد که در حالت دوم منظور زمانی است که فرد تحت بازداشت موقت قرار گرفته باشد.

از تکرار موارد قانون سابق با برخی اصلاحات<sup>۱</sup> بر موارد نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب افزوده است. در این زمینه ماده ۳۰۷ قانون آ.د.ک. در مقام تعیین صلاحیت دادگاه‌های کیفری پایتخت مقرر داشته است:

رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل و مدیران کل اطلاعات استان‌ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

در مورد جرایم افراد نظامی دارای درجه سرتیپی و بالاتر، کلیه جرایم آن‌ها چه نظامی و چه عمومی، حسب مورد در دادگاه‌های نظامی یا غیر نظامی پایتخت رسیدگی می‌شود. در این باره ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد:

کلیه جرایم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر در مراجع قضایی ذی‌ربط در تهران رسیدگی می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴: ۴۲/۲).<sup>۲</sup>

در ادامه در ماده ۳۰۸ قانون آ.د.ک. مقرر گردیده است:

۱. این اصلاحات شامل اضافه شدن رؤسای سه قوه و اعضای مجلس خبرگان، کاهش تمام فرمانداران به فرمانداران مراکز استان‌ها، لزوم اشتغال دارندگان پایه قضایی و نظامیان در قوه قضاییه و نیروهای مسلح و برخی اصلاحات جزئی دیگر است. تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ مقرر می‌داشت: «رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است....»
۲. برای مشاهده نمونه دیگر، ر.ک: تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ مبنی بر رسیدگی به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مرتکب می‌شوند، در دادسرا و دادگاه‌های مرکز.

رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

در این خصوص همان گونه که از متن ماده مشخص است دامنه و گستره اشخاصی که صلاحیت رسیدگی به اتهامات ایشان بر خلاف قاعده صلاحیت محل وقوع جرم، در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار گرفته است، بسیار زیاد است. برای نمونه، از کلیه دارندگان پایه قضایی گرفته تا کلیه فرمانداران و استانداران و حتی مشاوران سه قوه را در بر گرفته است. نگاهی کلی به فهرست اشخاص مذکور مؤید این مطلب است که سختی و توجیه مشخص و قابل قبولی برای اینکه صلاحیت رسیدگی به اتهامات بسیاری از اشخاص این فهرست را بر خلاف قاعده معمول به دادگاه کیفری استان تهران محول نماییم، وجود ندارد؛ به ویژه که این ماده کلیه اتهامات را بدون تفکیک مشخص در برمی‌گیرد. علاوه بر این، عدول از صلاحیت در این مورد اعم از اینکه جرم به سبب شغل دولتی ارتکاب یافته باشد یا نه، صورت گرفته است و در این مورد از اصول مربوط به صلاحیت به نحو موسعی عدول کرده است (رحمدل، ۱۳۹۳: ۱۵۶/۳).<sup>۱</sup>

توسعه موارد نقض صلاحیت محلی و تخصیص فراوان این قاعده باعث می‌شود که عملاً قاعده اصلی، شامل صلاحیت محل وقوع جرم و توجیهات قوی در ورای آن (سهولت جمع‌آوری ادله و حفظ آثار جرم، سهولت تعقیب متهم و شرکا و معاونان، سهولت حضور شهود و مطلعان و...) کنار گذاشته شود.<sup>۲</sup>

۱. سؤال مطرح در این باره آن است که اگر مبنای عدول از صلاحیت در مورد اتهامات مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸، رعایت حیثیت آنان و نیز تأمین فلسفه بی‌طرفی بیشتر قاضی در رسیدگی به اتهامات آنان است در فرض ارتکاب جرایم مواد مخدر از ناحیه آنان نیز که در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب است باید از صلاحیت محلی عدول، و رسیدگی به اتهاماتشان را به دادگاه‌های انقلاب تهران واگذار کرد (رحمدل، ۱۳۹۳: ۱۵۶/۳).

۲. ماده ۳۱۰ قانون آ.د.ک.: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود...».

مشابه موارد فوق و موارد نقض صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب، به گستردگی قانون آ.د.ک. ایران در قانون آ.د.ک. فرانسه مشاهده نمی‌شود و برعکس مقنن فرانسوی به جای تمرکز بر سمت و جایگاه مرتکب به عنوان موارد نقض قاعده صلاحیت محلی، بیشتر بر نوع، شدت و پیچیدگی جرم ارتكابی تأکید دارد. با این حال مواردی استثنایی و محدود وجود دارد؛ برای مثال در قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه مواردی از عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب قابل مشاهده است. از این حیث، ماده ۳-۱۱۲ این قانون مقرر داشته است:

برای رسیدگی به جرایم افسران سواره نظام (مارشال) و دریاسالار، افسران ژنرال یا هم‌درجه آنها و اعضای مرکز فرماندهی و کنترل ارتش، در زمان جنگ، یک دادگاه عالی نیروهای مسلح که مقر آن توسط آیین‌نامه تعیین می‌گردد، تشکیل می‌شود. این دادگاه می‌تواند در تمام نقاط سرزمین جمهوری فرانسه تشکیل شود. در شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، مقر این دادگاه می‌تواند بر اساس آیین‌نامه شورای وزرا، در محل دیگری تعیین گردد (تدین، ۱۳۹۴: ۳۴).

### ب) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار شرایطی عمومی

در این بخش، به مواردی از نقض صلاحیت محلی پرداخته می‌شود که بر خلاف دو وضعیت دیگر، نه بر مبنای سمت مرتکب یا نوع جرم ارتكابی بلکه بر اساس وضعیت‌ها و شرایطی عمومی و به تشخیص مقامات صالح، امکان اخذ صلاحیت از مرجع صلاحیت‌دار قضایی و ارجاع آن به مرجع دیگر فراهم شده است. این وضعیت‌ها ناظر به مواردی است همچون: حفظ نظم و امنیت عمومی، رسیدگی بهتر به پرونده، وجود ظنّ مشروع و قانونی، سختی و پیچیدگی پرونده. این موارد در هر دو نظام قانونی ایران و فرانسه با تفاوت‌هایی که ذیلاً اشاره خواهد شد، مطرح گردیده و بر خلاف دو وضعیت دیگر که دقیقاً موارد نقض مشخص گردیده، اعمال این موارد به نظر مقامات تعیین شده بستگی دارد.<sup>۱</sup>

۱. شایان ذکر است که در واقع تفاوت اصلی در این خصوص به اخذ پرونده از مرجع صلاحیت به تشخیص مقامات صلاحیت‌دار و ارجاع آن به دادگاه دیگری که در واقع بدون صلاحیت محلی است برمی‌گردد؛ آنچه که اصطلاحاً در آیین دادرسی کیفری به عنوان احاله (Des renvois d'un tribunal à un autre) شناخته می‌شود و در مقابل، در موارد دیگر به استناد قانون، پرونده از ابتدا به مرجع صلاحیت‌دار دیگر ارسال می‌شود و نیازی به صلاح‌دید و تشخیص مقامات تعیین شده قضایی ندارد.



## ۱. عدول از صلاحیت محلی برای حفظ نظم و امنیت عمومی

نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار نظم و امنیت عمومی، از موارد مشترک در دو نظام قانونی ایران و فرانسه است. بر اساس ماده ۴۲۰ قانون آ.د.ک.:  
علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود.<sup>۱</sup>

می‌توان این ماده قانونی را از زمره مواردی شمرد که تبعات امنیتی یا آثار رسیدگی کیفری بر منافع عمومی، معیار و توجیهی جهت نقض قاعده صلاحیت محلی باشد. در متن ماده به صراحت به جرم خاصی اشاره نشده و امکان وقوع مصلحت مذکور (حفظ نظم و امنیت عمومی) در حالات مختلفی قابل تصور است. برخی حفظ نظم شهر و عموم مردم را از مصادیق این عنوان مطرح نموده‌اند، مانند اینکه محاکمه مجرمی، امنیت شهری را مختل کند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

با وجود منافعی که در این موضوع قابل تصور است و در ادامه در قانون فرانسه نیز به مواردی از آن اشاره خواهد شد، با این حال، وجود عبارت مذکور کلی و مبهم بوده و در واقع اختیار وسیعی در نقض قاعده صلاحیت محلی به مقام مربوطه اعطا می‌نماید. شاید به همین دلیل باشد که برخی آن را خارج از چارچوب‌های موجود جهانی و اصول حقوق بشر و مغایر آشکار با اصل ۳۴ قانون اساسی مبنی بر حق افراد در دسترسی به دادگاه صالح قانونی دانسته‌اند (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۷۳/۴).

در قانون آ.د.ک. فرانسه نیز در ماده ۶۶۵ مقرر گردیده است:

احاله یک پرونده از مرجعی به مرجع دیگر<sup>۲</sup> می‌تواند به علت امنیت عمومی توسط شعبه جنایی و فقط به درخواست دادستان کل دیوان عالی کشور، دستور داده شود....

۱. ماده ۶۴ قانون منسوخ آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ نیز (مشابه ماده ۴۲۰ فوق‌الذکر) در بحث احاله پرونده و انتقال آن از یک دادگاه به دادگاه دیگر بر خلاف قاعده معمول صلاحیت محلی، اختیار ویژه‌ای را به رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور داده بود. بر اساس این ماده «به منظور حفظ نظم و امنیت هرگاه رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور تشخیص دهد، پس از موافقت دیوان عالی کشور پرونده به مرجع قضایی دیگر احاله خواهد شد».

2. Des renvois d'un tribunal à un autre.

ملاحظه می‌شود که مقنن فرانسوی نیز در بحث امنیت عمومی، رویه‌ای مشابه دارد و تنها تفاوت در مقام صلاحیت‌دار قضایی درخواست‌کننده است که در ایران در کنار دادستان کل کشور، رئیس قوه قضاییه نیز از اختیار مشابه برخوردار بوده لیکن در نظام قانونی فرانسه این اختیار منحصر به دادستان کل دیوان عالی کشور است.

## ۲. عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سختی یا پیچیدگی پرونده<sup>۱</sup>

سختی یا پیچیدگی جرم، به ویژه در پرونده‌هایی که با تعداد زیاد شاکی یا متهم مواجه است و یا گستره جرم ارتكابی از نظر آثار و تبعات جغرافیایی یا اجتماعی بالاست، اقتضا دارد که مانند پرونده‌های ساده و با مشکلات کمتر تنها توسط یک قاضی تحقیق رسیدگی نشده و سازوکارهای مناسب‌تر و منطبق با واقعیت در مورد آن‌ها وضع گردد. در واقع شیوه‌های رسیدگی سنتی، امروزه جوابگوی مقابله با جرایم جدید که بعضاً به صورت بانندی و سازمان‌یافته یا با ابزارهای مدرن و پیشرفته ارتکاب می‌یابند، نیست. ایجاد هیئت‌های همکاری قضایی در سطح دادسرا که بر اساس شدت و پیچیدگی جرم ارتكابی و به تشخیص رئیس دادگاه شهرستان می‌تواند پرونده تحقیقاتی در این هیئت‌های تحقیقاتی مورد رسیدگی قرار گیرد، از سازوکارهای پیش‌بینی شده توسط مقنن فرانسوی در جهت انجام تحقیقات هر چه بهتر و سریع‌تر محسوب می‌گردد. علاوه بر این، در قانون فرانسه بر خلاف رویه قانون‌گذار ایرانی، نوع دیگری از نقض قاعده صلاحیت محلی نیز مطرح است که صرفاً بر اساس نوع جرم ارتكابی است و در بحث بعد بدان پرداخته می‌شود.

در ارتباط با سختی و پیچیدگی پرونده، ماده ۱-۵۲ قانون آ.د.ک. فرانسه مقرر می‌دارد: در برخی دادگاه‌های شهرستان، قضات تحقیق در یک هیئت (قطب) تحقیقاتی جمع می‌شوند. این قضات در این هیئت تحقیقاتی فقط صالح به انجام تحقیقات در موضوعات جنایی هستند. این قضات همچنین برای رسیدگی به موضوعاتی که بر اساس مواد ۱-۸۳ و ۲-۸۳ قانون آ.د.ک. فرانسه ضرورت همکاری قضایی را اقتضا نمایند، صلاحیت دارند....

1. "la gravité ou la complexité de l'affaire" (art. 83-1 c.pr.pén).

این ماده قانونی که در فصل مربوط به قاضی تحقیق و صلاحیت محلی آن قرار گرفته است، به وجود هیئت تحقیقاتی اشاره دارد که در مورد جنایات و پرونده‌هایی که از سختی و پیچیدگی برخوردارند، صلاحیت محلی متفاوتی را از آنچه برای قاضی تحقیق انفرادی پیش‌بینی شده، تعیین نموده است. صلاحیت محلی این هیئت‌های تحقیقاتی و حوزه‌های جغرافیایی در قلمرو هر یک از آن‌ها، مطابق آیین‌نامه‌ای جداگانه تعیین شده است.<sup>۱</sup>

جدا از بحث جنایات که در ماده بدان اشاره شده و در صلاحیت هیئت قرار گرفته است، سختی و پیچیدگی پرونده، معیاری دیگر برای سلب صلاحیت از قاضی تحقیق صالح محلی یا توسعه حوزه صلاحیت او و ارجاع پرونده به هیئت تحقیقاتی است. بر اساس ماده ۱-۸۳ قانون آ.د.ک. فرانسه:<sup>۲</sup>

هنگامی که شدت یا پیچیدگی پرونده، این موضوع را توجیه کند، تحقیقات می‌تواند بنا بر شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده حاضر، موضوع همکاری قضایی قرار گیرد.... رئیس دادگاه شهرستانی که در آن، هیئت (قطب) تحقیقاتی وجود دارد یا در صورت وجود مانع جانشین او، به مجرد شروع تحقیقات رأساً یا به درخواست دادستان شهرستان در تقاضانامه ابتدایی، یک یا چند بازپرس را برای الحاق به بازپرس مسئول تحقیقات انتخاب می‌نماید... در مواردی که تحقیقات در مرجعی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود ندارد، در جریان است رئیس دادگاه شهرستانی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود دارد بعد از اعلام عدم صلاحیت بازپرس به نفع هیئت، بازپرس مسئول تحقیقات و یک یا چند بازپرس همکار در موضوعات کیفری را انتخاب می‌کند. این اعلام عدم صلاحیت از تاریخ انتصاب هیئت تحقیقاتی، واجد اثر می‌گردد... (تدین، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

بر اساس موارد مذکور چند نکته قابل ذکر است:

۱. تشکیل هیئت همکاری قضایی صرفاً در مواردی که پیچیدگی یا شدت جرم ارتكابی آن را توجیه نماید امکان‌پذیر است.
۲. تشخیص موضوع بر عهده رئیس دادگاه شهرستان است.

1. Décr. no. 2008-54 du 16 janv 2008. V. art. D.15-4-4.

2. L. no. 2007-291 du 5 mars 2007.

۳. ایجاد هیئت‌های همکاری قضایی مذکور به نوعی بسط و توسعه قلمرو صلاحیت محلی یک بازپرس به حوزه صلاحیت بازپرس دیگر محسوب می‌شود. صلاحیت دادگاه نیز منطبق با هیئت تحقیقاتی است که تعیین شده است و از این لحاظ صلاحیت دادسرا تابع صلاحیت دادگاهی است که در حوزه آن هیئت تحقیقاتی تشکیل شده است. حوزه قضایی این هیئت‌ها یا قطب‌های تحقیقاتی شامل چند دادگاه شهرستان است و تشکیل آن‌ها بر اساس آیین‌نامه خواهد بود.<sup>۱</sup>

۴. ایجاد هیئت تحقیقاتی مذکور، جدا از مراجع رسیدگی است که مقنن به طور ویژه در جرایم خاص پیش‌بینی نموده است. اصولاً این هیئت‌های تحقیقاتی با هدف تسهیل در انجام تحقیقات و به منظور مبارزه مؤثرتر با جرایمی که از سختی و پیچیدگی خاصی برخوردارند، تشکیل می‌شوند.

متأسفانه مقنن ایرانی در قانون آ.د.ک. (مشابه قانون آ.د.ک. ۱۳۷۸) سازوکار مشابهی برای سهولت و تسریع در رسیدگی به پرونده‌هایی که از سختی و پیچیدگی خاصی برخوردارند، پیش‌بینی نکرده است و در همه موارد صحبت از یک قاضی تحقیق یا بازپرس است که وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را در همه جرایم فارغ از سختی و پیچیدگی آن‌ها بر عهده دارد.

### ۳. عدول از صلاحیت محلی به جهت رسیدگی مطلوب قضایی

علاوه بر علت امنیت عمومی در قانون آ.د.ک. فرانسه، رسیدگی مناسب و مطلوب به پرونده قضایی نیز از جمله توجیهاتی است که می‌تواند برای ارجاع پرونده از یک مرجع قضایی صلاحیت‌دار محلی به مرجعی دیگر مورد استناد قرار گیرد. این عامل در ماده ۶۶۵ قانون آ.د.ک. فرانسه بیان گردیده است.

عین این عامل در قانون آ.د.ک. ایران وجود ندارد و در عوض مقنن ایرانی توجه خود را در بحث احاله به مواردی مشابه همچون اقامت متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگر، یا نزدیکی بیشتر دادگاه دیگر به محل وقوع جرم به گونه‌ای که دادگاه دیگر (غیر صالح محلی) آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند (بندهای الف و ب ماده

1. Art. D15-4-4 c. pr. pén.

۴۱۹ قانون آ.د.ک.)<sup>۱</sup> معطوف کرده است.<sup>۲</sup> با این حال، اداره مطلوب رسیدگی را می‌توان از جهاتی با دو بند فوق‌الذکر در قانون ایران نزدیک دانست.

به هر حال مقنن فرانسوی تشریفات و ضوابط بیشتری در مقایسه با قانون ایران برای احاله پرونده در این حالت، تعیین نموده است. درخواست احاله پرونده به استناد این جهت بر خلاف مورد حفظ امنیت عمومی (بند اول ماده ۶۶۵ قانون آ.د.ک. فرانسه) که فقط در انحصار دادستان کل دیوان عالی کشور است، می‌تواند علاوه بر آن از سوی طرفین دعوی و دادستان کل دادگاه تجدیدنظری که جرم در حوزه صلاحیت محلی آن است، نیز صورت گیرد. البته در هر حال مجوز احاله با شعبه جنایی دیوان عالی کشور است. ضمناً درخواستی که به استناد این جهت صورت گرفته است، باید به طرفین دعوی ابلاغ شود و ایشان ظرف مدت هشت روز مهلت دارند تا لایحه دفاعیه خود را تقدیم دفتر شعبه جنایی نمایند. بهتر بود مقنن ایرانی نیز برای احاله پرونده به استناد بندهای الف و ب ماده ۴۱۹<sup>۳</sup> چنین حقی را برای طرفین دعوی برای بیان اظهارات خود در رد یا تأیید تصمیم به احاله پرونده پیش‌بینی می‌نمود. در هر حال شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه در این مورد باید ظرف هشت روز تصمیم‌گیری نماید.

#### ۴. عدول از صلاحیت محلی به علت ظن مشروع و قانونی

مورد دیگری که بر اساس قانون آ.د.ک. فرانسه می‌تواند مجوز ارجاع پرونده از حوزه قضایی صلاحیت‌دار محلی به حوزه قضایی دیگر شود، وجود ظن مشروع و قانونی<sup>۳</sup> است. مقنن فرانسوی تعریفی از ظن مشروع ارائه نکرده است، لیکن بر اساس برخی

۱. مقنن در قانون سال ۱۳۹۲ ضمن تبصره ماده ۴۱۹ تصریح نموده که احاله پرونده نباید به گونه‌ای باشد که باعث عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود. البته ضمانت اجرایی برای عدم رعایت این تبصره و یا حق اعتراضی برای شاکی پیش‌بینی نشده است.

۲. برای مورد مشابه دیگر می‌توان به تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۹/۹/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه حمل و نقل تحت نظارت اشاره نمود: «رسیدگی به اتهامات متهمان موضوع این ماده در صلاحیت مرجع قضایی است که از طرف دادستان کل کشور تعیین می‌شود». این ماده که در راستای همکاری‌های بین‌المللی وضع گردیده، این امکان را ایجاد می‌کند که از صلاحیت محلی حوزه‌هایی که جرم ترانزیت مواد مخدر در آنجا ارتکاب یافته، عدول شود.

3. Suspicion légitime.

آزای قضایی، درخواست احاله به علت ظن مشروع و قانونی باید یک جریان و روند دادرسی قضایی را هدف قرار دهد نه یک قاضی با نام و هویت مشخص را.<sup>۱</sup> در موردی دیگر آمده است که درخواست‌های ظن مشروع علیه نیروهای نظامی ژاندارمری و دادسرا پذیرفتنی نیست.<sup>۲</sup>

درخواست احاله پرونده از یک شعبه صلاحیت‌دار محلی به شعبه هم‌عرض دیگر می‌تواند به درخواست دادستان کل دیوان عالی کشور یا دادسرای حوزه جغرافیایی مربوط یا طرفین دعوی مطرح شود.

درخواست ارائه‌شده به طرفین ابلاغ شده و هر طرف ظرف ده روز می‌تواند لایحه خود را به دفتر شعبه جنایی دیوان ارائه نماید (ماده ۶۶۲ قانون آ.د.ک. فرانسه، پاراگراف ۲-۳). مشابه این مورد در قانون آ.د.ک. ایران مطرح نگردیده است و به سختی نیز می‌توان آن‌ها را ذیل عناوینی همچون حفظ نظم عمومی قرار داد. به نظر می‌رسد خلأ مورد مذکور در پذیرش احاله یک پرونده از یک مرجع قضایی به مرجع قضایی دیگر وجود دارد. در مجموع همان گونه که مشاهده شد، در قانون آ.د.ک. فرانسه، مقنن موضوع نقض قاعده صلاحیت محلی را در دو وضعیت دادسرا و دادگاه با هم و در موارد متعدد پیش‌بینی نموده است. به طور کلی در قانون فرانسه، این موارد را می‌توان در سه مبحث مشاهده نمود:

۱. مواردی که در اثر پیچیدگی‌ها و سختی پرونده یا شدت جرم یا جرایم ارتكابی و به منظور تسهیل فرایند تحقیقات ضرورت سلب صلاحیت از یک مرجع قضایی و ارجاع آن به هیئت‌ها یا قطب‌های تحقیقاتی دیگر ایجاد می‌گردد.

۲. مواردی که با توجیهاتی همچون رسیدگی مطلوب قضایی، ظن مشروع و قانونی یا به دلیل امنیت عمومی و با تشریفات خاص، امکان سلب صلاحیت از یک مرجع محلی صالح پیش‌بینی شده است.

1. Crim 29 jan. 1948: Bull. Crim no. 40.

2. Crim 7 avr 1976: Bull Crim no. 107.

شاید بتوان ظن قانونی را در این خصوص به مواردی همچون وجود شائبه اعمال نفوذ در مرجع صالح یا موضع‌گیری اولیه قاضی تحقیق یا قاضی دادگاه در پرونده و... دانست. البته لازم به ذکر است که این موارد جدا از موارد رد صلاحیت دادرسی است که خود مقوله‌ای جداگانه است.

۳. مواردی که مقنن در جرایم خاص، دادرها و دادگاه‌هایی هم‌ردیف دادگاه‌های صالح از نظر محلی پیش‌بینی نموده است. این مورد از تحولات سال‌های اخیر در نظام دادرسی کیفری فرانسه است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

ذکر این نکته نیز لازم است که در نظام دادرسی کیفری ایران نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار نوع جرم ارتكابی به جز در مواردی محدود که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند و مشابه آنچه در نظام دادرسی فرانسه مشاهده می‌شود، پیش‌بینی نشده است.

### ج) عدول از صلاحیت محلی به اعتبار نوع جرم ارتكابی

همان‌گونه که در بحث سابق اشاره شد، علاوه بر ایجاد هیأت‌های تحقیقاتی بر اساس شدت و پیچیدگی جرم ارتكابی، مقنن فرانسوی در چند مورد خاص مراجع رسیدگی هم‌ردیف دادگاه‌های صالح بر اساس قاعده عمومی ایجاد نموده است. ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای جرایم خاص از سال ۱۹۷۵ آغاز شده است و با قانون ۲۰۴-۲۰۰۴ مصوب ۹ مارس ۲۰۰۴ تشدید گردیده و سامان یافته است (S. Guincherd et J. Buisson, 2008: 170).

بعد از تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ در خصوص تطبیق دادگستری با تحولات بزهکاری،<sup>۱</sup> نقض قاعده صلاحیت محلی با توجه به نوع جرم افزایش یافته و بر تعداد این مراجع تخصصی افزوده است. برای مبارزه بهتر با جرایم پرخطر، سازمان یافته و پیچیده، «هیئت»<sup>۲</sup>‌هایی مرکب از بخش‌های تحقیقات پلیسی، تعقیب، تحقیق و دادرسی ایجاد شده است. در این حالت، صلاحیت یک دادگاه شهرستان می‌تواند به حوزه قضایی یک یا چند دادگاه تجدیدنظر تسری و توسعه یابد (تدین، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

در واقع در جرایمی خاص که قانون تعریف می‌کند صلاحیت محلی یک دادگاه شهرستان و یک دادگاه جنایی، به حوزه صلاحیت یک یا چند دادگاه تجدیدنظر توسعه می‌یابد. در مجموعه جغرافیایی کشور فرانسه، هشت دادگاه بزرگ شهرستان در قالب

1. La loi no. 2004-204 DC du 9 mars 2004 portant adaptation de la justice aux évolutions de la criminalité.

2. Les poles.

دادگاه‌های بین منطقه‌ای ویژه (JIRS)<sup>۱</sup> ایجاد شده‌اند. این مراجع رسیدگی به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: دادگاه‌های شهرستان بوردو، فورت دو-فرانس، لیل، لیون، مارسی، نانسی، پاریس ورن.<sup>۲</sup> این دادگاه‌ها دارای یک صلاحیت هم‌ردیف و مشابه<sup>۳</sup> و نه انحصاری، نسبت به صلاحیتی که در حالت اجرای قواعد عمومی صلاحیت محلی جاری است، می‌باشند.<sup>۴</sup> علاوه بر آن، این دادگاه‌ها از طریق تخصصی شدن قضات منصوب نیز به نوعی تغییر یافته‌اند. این تغییرات دربردارنده بخشی ویژه از دادسرا و ساختارهایی از تحقیق و دادرسی تخصصی برای کشف جرایم تعیین شده است.<sup>۵</sup>

در درون هر دادگاه شهرستان که در قالب دادگاهی بین منطقه‌ای شکل گرفته، دادستان استان و رئیس دادگاه تجدیدنظر، بعد از کسب نظر دادستان شهرستان و رئیس دادگاه شهرستان، یک یا چند قاضی دادسرا، بازپرس‌ها و قضات نشست مسؤل ویژه تحقیق، تعقیب و رسیدگی را تعیین می‌کنند.<sup>۶</sup> در اینجا دیگر دخالتی از طرف شورای عالی صاحب منصبان قضایی وجود ندارد. این مراجع تخصص‌های زیر را دارند:

جرایم اقتصادی و مالی، جرایم مربوط به بهداشت، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته، آلودگی آب‌ها توسط پساب کشتی‌ها.

غیر از دو مورد دادگاه‌های ویژه مربوط به جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر که مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ می‌باشند،<sup>۷</sup> غالب مراجع رسیدگی با تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ ایجاد و از الگوی مراجع رسیدگی جرایم تروریستی و مواد مخدر تبعیت نموده‌اند. به یک باور، دادگاه‌های جنایی ویژه در زمینه تروریسم در واقع دادگاه‌های فوق‌العاده‌ای هستند که در پی حوادث تروریستی استثنایی سال ۱۹۸۶ در فرانسه ایجاد شده‌اند و سپس تبدیل به دادگاه‌های دائمی ویژه شده‌اند و دادگاه‌های ویژه در حوزه

1. Juridictions interrégionales spécialisées.

2. Art. c. pr. pen. d 47-13.

3. La compétence concurrente.

4. Art. 706-76 al. 1. c. pr. pen.

5. Art. 706-75 al. 2. c. pr. pen.

6. Art. 706-75-1 c. pr. pén.

7. Loi no. 92-1336, 16 Dec 1996.



جرایم اقتصادی و مالی، قاچاق مواد مخدر و ... با الگوبرداری از دادگاه‌های ویژه جنایی در حوزه تروریسم ایجاد شده‌اند (Gozzi, 2003: 106).

ماده ۱-۵۲ قانون آ.د.ک. فرانسه در ادامه و بعد از ذکر هیئت‌های تحقیقاتی (مذکور در بحث سابق) به مراجع بین منطقه‌ای ویژه اشاره نموده است.

### ۱. مرجع رسیدگی به جرایم بانندی و سازمان‌یافته

ماده ۷۵-۷۰۶ قانون آ.د.ک. فرانسه در بحث صلاحیت مراجع ویژه مقرر می‌دارد: صلاحیت محلی دادگاه شهرستان و دادگاه جنایی برای تحقیق، تعقیب، رسیدگی و انشای رأی در جنایات و جنحه‌های موضوع قلمرو مواد ۷۳-۷۰۶ (به استثنای بند ۱۱ و ۱۸) و ۷۴-۷۰۶، در پرونده‌هایی که دارای پیچیدگی زیاد هستند یا این گونه به نظر می‌رسند، می‌تواند به حوزه یک یا چند دادگاه تجدیدنظر بسط و گسترش یابد....

بر اساس این ماده، مراجع تخصصی مسئول تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور رأی برای جرایمی که در ماده ۷۳-۷۰۶ ذکر شده‌اند (جرایم بانندی و سازمان‌یافته) ایجاد می‌شوند. در این ماده، دو دسته جرایم تروریستی و مشارکت در توزیع سلاح‌های کشتار جمعی استثنا شده است (به دلیل پیش‌بینی دادگاه‌های ویژه جداگانه در مورد آن‌ها).

بر اساس ماده ۷۶-۷۰۶ قانون آ.د.ک. فرانسه، دادستان شهرستان، قاضی تحقیق و دادگاه‌های جنحه و جنایت که مطابق ماده ۷۵-۷۰۶ تشکیل شده‌اند، دارای صلاحیت هم‌ردیف دادرها و دادگاه‌هایی هستند که بر اساس قوانین عمومی صلاحیت محلی (مواد ۵۲، ۳۸۲، ۴۳ و ۴۲-۷۰۶)، صالح شناخته می‌شوند.

توجه به شاخص سازمان‌یافته بودن عمل ارتكابی از جمله مواردی است که در نظام حقوقی ایران در قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز به آن توجه شده و می‌توان آن را به مثابه تلاش مقنن ایرانی در جهت اتخاذ یک سیستم افتراقی در این زمینه دانست (رضوانی و دریانورد، ۱۳۹۱: ش ۴۹/۳).

### ۲. مرجع رسیدگی به جرایم تروریستی

تروریسم به عنوان یک پدیده شوم با قدمت زیاد امروزه موضوع و بهانه بسیاری از نظام‌های حقوقی برای نادیده گرفتن قواعد عمومی دادرسی منصفانه قرار گرفته است. در فرهنگ

آکسفورد، تروریسم به «وحشت فزاینده یک شخص یا چیزی که وحشت فراوان تولید کند تعریف شده است» (Oxford advanced Learners Dictionary, 1997: 1233). ویژگی خاص تروریسم، ایجاد وحشت میان مردم برای تحت فشار گذاشتن حکومت است: تروریسم یک شیوه خاص از خشونت سیاسی است که با حمله کردن به تعداد کمی قربانی، در صدد تأثیرگذاری بر تعداد زیادی از مردم می‌باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

این مشخصه‌ها باعث گردیده که در برخی نظام‌های حقوقی، دادگاه‌های خاص رسیدگی به این جرایم ایجاد گردند. از جمله در نظام حقوقی کشور فرانسه شاهد این دادگاه‌ها هستیم. البته وجود این دادگاه‌ها به منزله دادگاه‌های اختصاصی، جدا از دادگاه‌های عمومی نبوده بلکه دارای صلاحیتی هم‌ردیف با دادگاه‌های عمومی هستند. از موارد دیگر مصرح در ماده ۵۲-۱ قانون آ.د.ک. فرانسه سابق که به هیئت‌های تحقیقاتی تخصصی اشاره نموده، ماده ۱۷-۷۰۶ در زمینه جرایم تروریستی است. همان گونه که در بخش سابق در جرایم بانندی و سازمان‌یافته نیز اشاره شد، بند ۱۱ ماده ۷۳-۷۰۶ (جرایم تروریستی) استثنا شده است. در این بخش ماده ۱۷-۷۰۶ قانون آ.د.ک. فرانسه مقرر داشته است:

برای تعقیب، تحقیق و دادرسی جرایم موضوع ماده ۱۶-۷۰۶ آ.د.ک. (منظور جنحه‌ها و جنایات تروریستی مصرح در ماده ۱-۴۲۱ تا ۶-۴۲۱ قانون جزا) دادستان شهرستان، قاضی تحقیق، دادگاه جنحه و دادگاه جنایی پاریس، صلاحیتی هم‌عرض با صلاحیتی که از اجرای قواعد عمومی صلاحیت محلی در اجرای مواد ۴۳، ۵۲، ۳۸۲ ناشی می‌شود، دارا می‌باشند.

اعمال تروریستی با وصف جنایی توسط یک دادگاه جنایی ویژه بدون وجود هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این دادگاه متشکل از یک رئیس و شش مستشار از قضات حرفه‌ای است. این در حالی است که در وضعیت عادی، دادگاه جنایی متشکل از سه قاضی تخصصی است (یک رئیس و دو مستشار) و نه نفر اعضای هیئت منصفه را تشکیل می‌دهند (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۲۵-۷۰۶).

از ابتدای تشکیل دادگاه‌های ویژه تروریستی، انتقاداتی نسبت به آن‌ها وجود داشته

است. در واقع تشکیل این دادگاه‌ها بر این اساس است که مشخصه جرم تروریستی و فشارهایی که از ناحیه آن می‌تواند متوجه هیئت منصفه برآمده از مردم گردد، ضرورت یک دادرسی ویژه با قضات حرفه‌ای را توجیه می‌نماید. دیوان عالی در پرونده موسوم به اسکلیشر<sup>۱</sup> این استدلال را مطرح کرده است و ایجاد دادگاه ویژه در زمینه تروریسم را مغایر بند ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندانسته است.<sup>۲</sup>

برخی مخالف استثنایی تلقی نمودن این دادگاه‌ها هستند و در واقع فلسفه وضع آن‌ها را مخالف قواعد عمومی ندانسته‌اند و از این نظر در جواب این سؤال که آیا می‌توان دادگاه‌های جنایی خاص با صلاحیت ویژه در حوزه تروریسم را یک دادرسی استثنایی شمرد جواب منفی داده‌اند (Gozzi, 2003: 104). استدلال این بوده است که مقنن در قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ قصد ایجاد یک سیستم دادرسی استثنایی نداشته است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: سپهری، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

بر این اساس اگر دادگاه جنایی بدون حضور هیئت منصفه را بر اساس ماهیت، وصف خاص بدانیم مناسب‌تر است. از این نظر، قانون‌گذار با ایجاد این دادگاه‌ها با صلاحیت هم‌عرض دادگاه‌های عمومی، در واقع قصد ایجاد مجدد دادگاه‌های استثنایی همچون دادگاه امنیت ملی را نداشته است و در واقع این دادگاه‌ها دارای یک صلاحیت تکمیلی نسبت به دادرسی جرایم با ماهیت جنایی که در زمان صلح اتفاق می‌افتند، هستند. از این منظر که آیا وجود این دادگاه‌های خاص مغایرتی با اصل تساوی افراد در برابر قانون در ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ دارد یا خیر؟ شورای قانون اساسی، وجود این دادگاه‌ها را همسان و سازگار با دادگاه‌های جنایی و در راستای کمک به تضمین یک دادرسی منصفانه دانسته است.<sup>۳</sup>

علاوه بر مورد فوق که در بردارنده یک صلاحیت هم‌عرض برای دادگاه پاریس در

1. Scleicher.

2. Crim. 7 mai 1987, bull, no. 186.

بند ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کسی حق دارد که دلیل و ادعایش در شرایط مساوی، علنی و در زمانی معقول، توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف که بر اساس قانون تشکیل شده است، استماع گردد».

3. déc. no. 86-213 DC du 3 Septembre 1986.

مورد جرایم جنایی تروریستی است، استثنایی دیگر نیز در ماده بعدی یعنی ماده ۱۷-۱۷۰۶ قانون آ.د.ک. فرانسه پیش‌بینی شده است.

بر اساس ماده مذکور «به صورت استثنایی و به علل امنیتی» و به تأیید رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر پاریس و با درخواست دادستان استان و بعد از نظر رؤسای دادگاه‌های شهرستان‌های ذی‌نفع، رئیس کانون وکلای پاریس و در صورت اقتضا رئیس دادگاه جنایی پاریس، این امکان وجود دارد که جلسه دادگاه جنبه شعبه تجدیدنظرهای جنبه‌ای پاریس یا دادگاه جنایی پاریس در مکان دیگری از حوزه تجدیدنظر، غیر از مکانی که این دادگاه‌ها عادتاً جلساتشان را آنجا برگزار می‌کنند، تشکیل شود. این تصمیم یک تصمیم اداری - قضایی است که قابل اعتراض نیست.<sup>۱</sup>

### ۳. مرجع رسیدگی به جرایم قاچاق مواد مخدر

مشابه اقدام قانون‌گذار در توسعه قلمرو صلاحیت محلی برخی دادگاه‌ها در رسیدگی به جرایم سازمان‌یافته و تروریستی، در زمینه جرایم قاچاق مواد مخدر و جنبه شرکت در اجتماع بزهکاران نیز مراجع رسیدگی ویژه تشکیل شده‌اند. در این زمینه، ماده ۲۷-۷۰۶ قانون آ.د.ک. فرانسه مقرر می‌دارد:

در حوزه هر دادگاه تجدیدنظر یک یا چند دادگاه جنایی که لیست آن‌ها توسط آیین‌نامه<sup>۲</sup> تعیین می‌شود، برای رسیدگی به جرایم مذکور در ماده ۲۶-۷۰۶ و جرایمی که با آن‌ها مرتبط هستند، صلاحیت دارند. ترکیب و عملکرد دادگاه جنایی مذکور در رسیدگی به اتهام بزرگسالان، توسط مقررات ماده ۶-۶۹۸ تعیین می‌شود.

تفاوت این مورد با دادگاه‌های با صلاحیت استثنایی پیش‌گفته، مثل دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم تروریستی، بانندی و سازمان‌یافته، اقتصادی و... این است که در این ماده هیچ صحبتی از اینکه صلاحیت دادگاه هم‌ردیف صلاحیت محلی ناشی از اجرای قواعد عمومی باشد، نشده است و لذا می‌توان گفت که صلاحیت تعیین‌شده در این

۱. موردی از اجرای این ماده در رسیدگی به پرونده اعضای موسوم به «شبكة chalabi» (۱۳۸ متهم که ۲۷ نفر از آن‌ها در بازداشت موقت بوده‌اند) جلسه رسیدگی در سالن ورزشی یک مرکز اداره زندان در مجاورت مؤسسه زندان پاریس برگزار شده است.

ماده نسبت به جرایم مواد مخدر صلاحیتی انحصاری است (Fourment, 2011: 189). با توجه به ارجاع ماده ۲۷-۷۰۶ به اینکه ترکیب و عملکرد دادگاه جنایی مطابق ماده ۶-۶۹۸ قانون آ.د.ک. خواهد بود، می‌توان گفت که رسیدگی به جرایم مواد مخدر در دادگاه جنایی بدون حضور هیئت منصفه (بر خلاف قواعد عمومی راجع به دادگاه‌های جنایی) متشکل از یک رئیس و شش مستشار که از قضات حرفه‌ای و تخصصی هستند صورت می‌گیرد و در موردی که دادگاه جنایی در حالت تجدیدنظر قرار می‌گیرد، متشکل از هشت مستشار است.<sup>۱</sup> در حالت عمومی در جنایات بر اساس ماده ۲۴۰ قانون آ.د.ک. فرانسه، دادگاه جنایی مرکب از دادگاه در معنای خاص خود و هیئت منصفه است.<sup>۲</sup> وجود دادگاه‌های جنایی بدون حضور هیئت منصفه در جنایات و جنحه‌های مربوط به افراد نظامی و جنایات و جنحه‌ها علیه منافع اساسی ملت پیش‌بینی شده است (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۶۹۷). در این دادگاه‌ها، قضات آموزش‌های تخصصی قضایی را در موضوعات نظامی طی می‌کنند. با وجود این، قانون‌گذار در دو مورد جرایم قاچاق مواد مخدر و جرایم تروریستی، به طور استثنایی، ترکیب دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به این جرایم را مشابه ترکیب دادگاه‌های نظامی در نظر گرفته است. البته این وضعیت در مورد سایر دادگاه‌های خاص در جرایم مالی و اقتصادی و بهداشت عمومی وجود ندارد و در مورد آنها تنها شاهد نقض قاعده صلاحیت محلی و گسترش و بسط صلاحیت دادگاه شهرستان هستیم.

مورد خاص دیگر در مورد این دادگاهها این است که تجدیدنظرخواهی از آرای آنها می‌تواند در همان دادگاه جنایی و البته با ترکیبی دیگر به انتخاب شعبه جنایی دیوان عالی کشور صورت گیرد (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۶-۶۹۸، بند ۳) و این در حالی است که در جنایات عام، تجدیدنظرخواهی از آرای صادره در دادگاه جنایی در شعبه‌ای دیگر از دادگاه جنایی و به انتخاب شعبه جنایی دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۱-۳۸۰، بند ۲).

۱. در وضعیت عمومی رایج، ساختار دادگاه جنایی متشکل از یک رئیس و دو مستشار و سه نفر هیئت منصفه است.

2. La cour d'assises comprend: La cour proprement dite et le jury.

مورد استثنایی دیگر در این دادگاه‌ها به شیوه تصمیم‌گیری در صدور رأی مربوط می‌شود. با توجه به حذف هیأت منصفه در این دادگاه‌ها، شیوه‌های تصمیم‌گیری پیش‌بینی شده در دادگاه‌های جنایی قابلیت اجرا ندارد.<sup>۱</sup>

نکته قابل ذکر درباره تشریفات این دادگاه‌ها آن است که به نظر می‌رسد با توجه به تخصص و آموزش قضات، بیشتر این دادگاه‌ها با فلسفه تخصصی شدن ایجاد گردیده‌اند تا بتوان آن‌ها را دادگاه‌هایی استثنایی و متناقض قواعد عمومی دادرسی دانست. البته با توجه به عدم پیش‌بینی این ساختار در دادگاه‌های ویژه رسیدگی‌کننده به جرایم بانندی و سازمان‌یافته، تا حدودی استدلال مذکور خدشه‌دار می‌گردد؛ زیرا ماهیتاً اختلاف چندانی بین این جرایم و جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر وجود ندارد و از این نگاه می‌توان دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم تروریستی و مواد مخدر را استثنایی بر سایر دادگاه‌های تخصصی دانست.

#### ۴. مرجع رسیدگی به جرایم مالی و اقتصادی و بهداشت عمومی

مشابه دادگاه‌های مذکور در بالا که می‌توانند استثنایی بر قاعده صلاحیت محلی در حقوق عمومی به شمار روند، در خصوص جرایم مالی، اقتصادی و بهداشت عمومی نیز مقنن فرانسوی طی موادی جداگانه، مراجع رسیدگی تخصصی شامل قضات تحقیق و قضات نشسته متخصص جهت صدور رأی، پیش‌بینی نموده است.

در عرصه قضایی، این دادگاه‌ها را با عنوان «مجتمع ویژه اقتصادی و مالی»<sup>۲</sup> می‌نامند. فلسفه تشکیل این مراجع رسیدگی با توجه به تخصصی شدن قضات دادسرا و قضات رسیدگی، افزایش کارایی در مبارزه با جرایم است، به ویژه جرایمی که مرتبط با شبکه‌های بین‌المللی بوده و یا از یک پیچیدگی قضایی بزرگ برخوردارند (Guinchard et Buisson, 2008: 243).

ماده ۵۲-۱ قانون آ.د.ک. فرانسه در کنار دادگاه‌های ویژه مذکور در مباحث قبل، به دو ماده قانونی دیگر یعنی ماده ۷۰۴ (در جرایم مالی و اقتصادی) و ماده ۷۰۶-۲ (در

۱. تصمیمات در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم تروریستی و مواد مخدر با اکثریت آرا اتخاذ می‌گردد (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۶۹۸-۶، بند ۱ و ۲).

2. Pôles économiques et financiers.

جرایم مرتبط با بهداشت عمومی) نیز اشاره نموده است. این دو ماده به تشکیل دادگاه‌های ویژه در زمینه جرایم مالی، اقتصادی و بهداشت عمومی اختصاص دارد. بر اساس ماده ۷۰۴ قانون آ.د.ک. فرانسه:

در حوزه هر دادگاه تجدیدنظر، یک یا چند دادگاه شهرستان، در شرایط پیش‌بینی شده توسط بخش حاضر برای تحقیق، تعقیب و انشای رأی (در موارد جنحه)، در جرایم ذیل و در پرونده‌هایی که بسیار پیچیده هستند یا پیچیده به نظر می‌رسند، صلاحیت دارند....

جرایمی که در ادامه ماده مذکور بدان اشاره شده، گسترده‌اند و به طور اجمال عبارت‌اند از: جرم اخفای منشأ درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر (ماده ۲۲۲-۳۸ قانون جزا)، کلاهبرداری (۳۱۳-۱ قانون جزا)، سوءاستفاده متقلبانه از حالت و وضعیت‌های اشخاص آسیب‌پذیر ناشی از مواردی مثل جهالت و بی‌سوادی، ضعف و ناتوانی متأثر از صغر سن یا بیماری یا معلولیت یا بارداری، ... (۲-۱۵-۲۲۳ قانون جزا)، جنحه‌های پیش‌بینی شده در قانون تجارت،<sup>۱</sup> قانون پولی و مالی،<sup>۲</sup> قانون مالکیت معنوی،<sup>۳</sup> قانون گمرکات، ....

در ادامه ماده مذکور، حوزه صلاحیت یک دادگاه شهرستان با همان شرایط سابق می‌تواند به حوزه یک یا چند دادگاه تجدیدنظر نیز توسعه یابد و آن در صورتی است که تعداد زیاد مباشران، معاونان و یا بزه‌دیدگان جرایم مذکور در سطحی جغرافیایی گسترش یافته و پرونده مورد بررسی از این لحاظ با پیچیدگی زیادی مواجه باشد. حوزه صلاحیت این دادگاه‌ها<sup>۴</sup> و شرایط مربوط به دادسرا، تکالیف و وظایف تحقیقاتی و رسیدگی به این جرایم بر اساس آیین‌نامه خواهد بود.

مشابه دادگاه‌های فوق‌الذکر در جرایم مالی و اقتصادی که نقض قاعده عمومی صلاحیت محلی محسوب می‌شوند، در جرایم مربوط به بهداشت عمومی (مراجع ویژه بهداشت عمومی)<sup>۵</sup> نیز پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۷۰۶-۲ قانون آ.د.ک. فرانسه

1. Le code de commerce.
2. Le code monétaire et financier.
3. Le code de la propriété intellectuelle.
4. Art. D47-2 et 47-3 c. pr. pen.
5. Pôles «santé publique».

«صلاحیت محلی یک دادگاه شهرستان می‌تواند به حوزه یک یا چند دادگاه تجدیدنظر جهت تحقیق، تعقیب، رسیدگی و انشای رأی (در امور جنحه) در پرونده‌های مربوط به یک محصول بهداشتی، آن گونه که در ماده ۱-5311 l. قانون بهداشت عمومی تعریف می‌شود یا مربوط به یک محصول مختص به تغذیه انسان یا حیوان یا محصول یا ماده‌ای که انسان به طور دائم در معرض آن قرار دارد و به دلیل آثار یا خطرناکی آن‌ها در قانون تعیین شده است و دارای پیچیدگی هستند یا چنین به نظر می‌رسد که از پیچیدگی زیادی برخوردارند، بسط و گسترش یابد...».

جرایم صدمه و آسیب به انسان مصرح در بخش دوم کتاب دوم قانون جزا، جرایم پیش‌بینی شده در قانون سلامت عمومی، جرایم پیش‌بینی شده در قانون روستایی و ماهیگیری دریایی یا قانون مصرف و جرایم محیط زیست و قانون کار و جرایم مرتبط با آن‌ها مشمول ماده مذکور می‌گردد.

در همه این جرایم برای سهولت در رسیدگی و با توجه به پیچیدگی‌های جرم ارتكابی صلاحیت محلی دادگاه شهرستان حوزه دو دادگاه پاریس و مارسی مطابق آیین‌نامه مربوطه به حوزه صلاحیت چند دادگاه تجدیدنظر توسعه یافته است.<sup>۱</sup> صلاحیت این دادگاه‌ها هم‌ردیف دادگاه‌های شهرستان است که بر پایه قواعد عمومی دارای صلاحیت محلی در رسیدگی به جرایم هستند (قانون آ.د.ک. فرانسه، ماده ۲-۷۰۶).

### نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده درباره موارد نقض قاعده صلاحیت محلی در دو نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه نکات ذیل به عنوان نتایج بحث قابل طرح می‌باشند:

۱. اصل این موضوع که قاعده صلاحیت محلی بدون هر گونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعاوی کیفری را به همراه داشته باشد، مورد اتفاق هر دو نظام کیفری است. در واقع ضرورت پیش‌بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است. لیکن باید این نکته را

1. Art. D47-5 c. pr. pén.



مدّ نظر قرار داد که تعیین و تأکید بر قواعد صلاحیت به عنوان قواعد آمره در فرایند دادرسی کیفری، از جمله قاعده صلاحیت محلی به هدف استقرار نظم قضایی و به ویژه حفظ حقوق متهم، امری مسلم و پذیرفته شده است.

۲. نگاهی به موارد نقض قاعده صلاحیت محلی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مؤید این نکته است که به رغم مقنّن فرانسوی که در سال‌های اخیر تحولات وسیعی در این بحث داشته، مقنّن ایرانی به ویژه در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی که (موارد آن نیز محدود است و) بتوان آن را منشأ تحول دانست، صورت نداده است.

۳. مقنّن ایرانی همان گونه که در تقسیم‌بندی موارد نقض صلاحیت محلی مشاهده شد، غیر از مورد نقض قاعده به اعتبار سمت مرتکب جرم، در موارد دیگر به شرایطی عمومی همچون حفظ نظم و امنیت عمومی بسنده کرده است. در مقابل، موارد متعددی از نقض قاعده به اعتبار نوع جرم ارتكابی در سیستم فرانسوی مشاهده می‌گردد.

۴. در واقع آنچه اساساً می‌تواند نقض قاعده صلاحیت محلی را توجیه کند، رسیدگی بهتر به پرونده و افزایش کارایی دستگاه قضایی است و آنچه این افزایش کارایی را بهتر تضمین می‌کند، پیش‌بینی دادرها و دادگاه‌های تخصصی هم‌ردیف دادرها و دادگاه‌هایی است که مطابق قاعده عمومی صلاحیت محلی صالح هستند. در واقع آنچه در نظام حقوقی فرانسه شاهد بودیم شامل هیئت‌های تحقیقاتی یا نهادهای تخصصی قضایی، به شرط اینکه تبدیل به دادگاه‌های اختصاصی متناقض با قاعده صلاحیت ذاتی نشوند و حقوقی کمتر از آنچه در سیستم قضایی عام برای طرفین دعوی به ویژه متهم پیش‌بینی شده است، تعیین نگردد، می‌توانند باعث افزایش کارایی دستگاه قضایی و مبارزه مؤثرتر و بهتر به خصوص با اشکال نوین بزهکاری گردند.

۵. پیشنهاد می‌شود مقنّن ایرانی همچون مقنّن فرانسوی حق ابلاغ تصمیمات قضایی را برای احاله پرونده به طرفین دعوی و ارائه لایحه دفاعیه پیش‌بینی نماید. به تحولات بزهکاری در سال‌های اخیر و به ویژه توسعه کمی و کیفی جرایم بانندی و سازمان‌یافته و جرایم تروریستی توجه ویژه نموده و راهکارهای سنتی برای رسیدگی به همه انواع جرایم را با تحولات امروزی بزهکاری منطبق نماید.

کتاب‌شناسی

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، مجد، ۱۳۸۴ ش.
۲. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹ ش.
۳. تدین، عباس، *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (ترجمه)*، تهران، خرسندی، ۱۳۹۱ ش.
۴. همو، *قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح ایران و فرانسه*، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴ ش.
۵. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۴ ش.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ دهخدا*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کل کشور، ۱۳۴۱ ش.
۷. رحمدل، منصور، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، دادگستر، ۱۳۹۳ ش.
۸. رضوانی، سودابه و سیده وحیده دریانورد، «لزوم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا و ارز»، *دوفصلنامه بررسی‌های حقوقی*، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۹. سپهری، روح‌الله، *جرم‌نگاری تروریسم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. گلدوست جویباری، رجب، *کلیات آیین دادرسی کیفری*، تهران، جنگل، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین، «تروریسم رسانه‌ای»، *تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده در همایش دی‌ماه ۱۳۸۰*، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۱ ش.
12. Fourment, François, *Procédure pénale d' exception et droit de l'homme*, Édition l'Harmattan, 2011.
13. Gozzi, Marie-Hélène, *Le terrorisme*, Éditions Ellipses, 2003.
14. Guinchard, Serge et Jacques Buisson, *Procédure pénale*, 4ème edition, Paris, Lexis Nexis Litec, 2008.
15. *Oxford advanced Learners Dictionary*, 5<sup>th</sup> Ed., 1997.

## موجز المقالات

### تعارض الأدلة في إثبات الجرائم الموجبة للقصاص والدية والتعزير؛ النماذج والحلول

- عبّاس الزراعة (أستاذ بجامعة كاشان)
  - أميد المتقى الأردكاني (ماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)
- «تعارض أدلة إثبات الدعوى» مسألة يظهر في مجال الإثبات الجزائيّ والحقوقيّ. مع ذلك تحقّق هذه القضية في الإثبات الجزائيّ يستلزم عواقب هالكة التي تحتاج إلى رعاية وإمعان نظر أكثر. مع الرجوع إلى قانون العقوبات الإسلاميّة ومعايير رفع التعارض الموجودة في علم أصول الفقه، مع أنه لنا أن نختار حلولاً عامّة كالتخيير والتساقط والتقدّم القانونيّ و... لكن تطبيق كلّ حلّ مع نماذج مختلفة لتعارض أدلة إثبات الدعوى قد وضع على عاتق القاضى. فى الدراسة الحاليّة عبر استغلال الأسلوب التوصيفيّ والتحليليّ بسبب وجود الاختلاف فى النظام الإثباتيّ للجرائم الحديّة مقارنة مع بقيّة الجرائم، قد ركّزنا على نماذج تعارض أدلة إثبات الجرائم الموجبة للقصاص والدية والتعزير وعرضنا حللاً لأنّها ومناسباً لكلّ نموذج. أهميّة هذه الدراسة هي أنّ هل كفاءة

الحلول المذكورة في قانون العقوبات الإسلامية منوط إلى أن يختار كل حل مناسب لنموذج التعارض الواقع؛ لذلك مع دراسة هذا الموضوع في مسيرة التجاوز عن قضية التعارض ذهب إلى مساعدة القاضى الجزائى وسناعده في تنفيذ العدالة أكثر فأكثر. وفي نهاية المطاف لنا أن نذكر أن نوع الجرم ونوع الدليل ونموذج التعارض يعتبر ثلاثة شروط هامة في اختيار الحل المناسب لرفع التعارض والتي لا بد أن يلتفت إليها القاضى. المفردات الرئيسة: التعارض، الأدلة الجزائية، نماذج التعارض، حل رفع التعارض.

### سقوط القصاص دون تضمين ديون المقتول المديون (نظرة فقهية في المادة ٤٣٢ لقانون العقوبات الإسلامية)

□ حسين الناصريّ المقدّم (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد)  
□ مرتضى كشاورزى ولدانئى (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع الفقه ومبادئ القانون الإسلامى)

مع أنّ عقوبة القصاص في موارد قتل العمد وضعت من ناحية الإسلام كقانون ثابت إلاّ أنّه في بعض الموارد وفي ظروف خاصّة، قابلة للسقوط. أحد الموارد التي في سقوط القصاص أو عدمه محلّ نظر هي ما إذا كان المقتول مديوناً وأولياؤه يريدون القصاص. والسؤال الذي يطرح في هذا الصعيد هو أنّه هل في هذا الفرض للغرماء أن يمنعوا استيفاء القصاص. أو لنا أن نقتصّ القاتل دون تضمين حقوق الغرماء أو استيفاء القصاص فيما إذا كانت ديون القاتل استوفيت أو ضمّنت. قانون العقوبات الإسلامية المصادق عليه سنة ١٣٩٢ اتّبع في هذا الفرض رأى بعض فقهاء الإمامية وقال بجواز القصاص لأولياء المقتول دون تأدية ديونه أو تضمينها. من جانب آخر ذهب بعض الفقهاء كالإمام الخميني في كتاب تحرير الوسيلة إلى أنّ الأحوط عدم جواز القصاص إلاّ إذا التزم أولياء الدم بتأدية الديون أو تضمينها. الدراسة الحالية التي تمّت على أساس الآراء الفقهية للإمام الخميني بعد مناقشة ومعالجة أقوال الموافقين والمخالفين وصلت إلى أنّ على أساس ظاهر الروايات الواردة في هذا المجال وكذلك التحفّظ لحقوق الغرماء عدم القصاص أنسب وأوجه.

المفردات الرئيسة: القصاص، سقوط القصاص، المقتول المديون، الديون، الغرماء.

## الاتجاه المعول على الضمير حول المسؤولية الجزائية

□ عادل الساريخاني (أستاذ مشارك بجامعة قم)

□ قاسم إسلامي نيا (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة قم)

لا مجال للشك في أنّ بدايات القانون الجزائي الحديث والذي تعتبر كقانون معول على الإنسان كانت أول خطوة للالتفات إلى شخصية الإنسان وهذا مع ورود المسؤولية الجزائية إلى المباحث القانونية المتعلقة بشخصية مرتكب الجريمة. مع الاعتراف بالأهمية السامية لموضوع المسؤولية الجزائية في حقل السياسة الجزائية، كانت ثمرة معرفة الإنسان الدينية هي جذب وتلفيق المسؤولية الضميرية في جميع مراحل إجراء القواعد القانونية تجريمًا كانت أو المسؤولية الجزائية أو تنفيذ العقوبات. أهمية المفروض المذكور هي أنّ الاستغلال الكثير من ظرفية السياسة الجزائية كان متعارضًا مع مبادئ المعرفة الإنسان الدينية التي تقتضى كرامة الإنسان وضرورة ازدهار الاستعداد الهام والحيوي للسلطة على النفس (بواسطة قوة باسم الضمير) بعيدًا عن العوامل الخارجية. الدراسة الحالية مع تعريف وتوصيف الضمير والتعرض لأهميته وآثار ولوازم ازدهار المسؤولية الضميرية أبدت وأثبتت لزوم تلفيق المسؤولية الجزائية مع المسؤولية الضميرية مركزة على عناصر من النظام الاعتقادي والأخلاقي في الإسلام.

المفردات الرئيسة: الضمير، المسؤولية الضميرية، الإنسان، معرفة الإنسان، المسؤولية الجزائية.

## السياسة الجنائية التقنينية لإيران في الحماية عن الشاهد

□ أبو الحسن الشاكري (أستاذ مشارك بجامعة مازندران)

□ رضا الرضائي (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة مازندران)

لا مجال للشك في أنّ حضور الشاهد في نظام العدالة الجزائية أحد مناظر السياسة الجزائية المشاركة. التي تظهر أكثر في المجتمعات التي يحكمون عليها الجمهور (المجتمعات الديمقراطية). لذلك يجب أن يجعل الشهود كأحد الناشطين في عملية العدالة الجزائية تحت تدابير وإجراءات في الحماية عنهم. من الواضح أنّ التدابير التي تستخدم للحماية عن الشاهد، تدابير استثنائية. لذلك تعيين إحراز شروط أعمالها المبنية

على كل من الضابط الشخصي أو النوعي يكون على المرجع القضائي وما زال في أعمال وتنفيذ هذه التدابير حفظ حقوق المتهم أولى لأنّ المتهم في معرض المحكومية. وتجدر الإشارة إلى أنه لا بدّ وأن تكون هذه التدابير، من جانب مركزه على الحرّيات الفردية ومن جانب آخر مركزه على مصالح الحكومة التي السياسة الجزائية لإيران في حق التقنين متأثرة منها. الاتجاه الأساس من حيث اتباع المنهج الاتقائي للسياسة الجنائية في مجال تقنين وتنظيم القواعد ومديرية إجراءات التي ترغّب الشهود على الحضور في نظام العدالة الجزائية تمنع عن تحميل الضرر والخسارة على الشهود. لذلك، السياسة الجزائية الاتقائية لا بدّ وأن تعوّل على محاكمة خاصّة ومن جملتها أن إرعاب الشاهد يحتاج إلى أن يعدّ من أحد أقسام التجريم. ومن الأمور الهامة التي لا بدّ وأن تلاحظ في هذا المجال هي: جلب المتهم دون الإحضار، إرجاع الملفّ مباشرة إلى المحكمة والتحقيق خارجاً عن الترتيب الواقعي. ووصولاً إلى هذا الغرض، تغيير وجه ومنظر الشاهد واستخدام القناع يمكن أن يساعد على الوقاية من الأعمال الإرعابية ضدّ الشاهد.

المفردات الرئيسية: الشاهد، تدابير للحماية، نظام العدالة الجزائية، المنهج الاتقائي للسياسة الجنائية، المحاكمة الجزائية الخاصة.

## اتّجاه المحكمة الجزائية الدولية إلى عفو الجرائم الدولية من منظور قاعدة منع المحاكمة المجددة

- أمين زحمتكش (ماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة جيلان)
- مجتبي جاني بور (أستاذ مساعد بجامعة جيلان)
- مهين السبحاني (أستاذة مساعدة بجامعة جيلان)

لا مجال للشكّ في أنّ العفو عن مجرمي الدولية يعتبر أحد أسباب اللا جزائية. والمحكمة الجزائية الدولية كمؤسسة رائدة في الصراع مع ثقافة اللا جزائية وتضمنين منافع العدالة ولها تكليف خطير في الممانعة عن فرار مرتكبي الانتهاكات الشديدة لحقوق الإنسان والفرار عن المسؤولية الجزائية الدولية مع التوسّل إلى شتى الحيل للمصونيّة عن المجازاة كالعفو. وعلى أمل الوصول إلى هذا المهمّ، اتّجاه المحكمة

الجزائية الدولية في الحالة التي مرتكبو الجرائم الدولية بعد المحاكمة في محكمة وطنية أو بعد الملاحظة وعملية التحقيق من ناحية اللجنة المحققة عن الواقع أن يُعفو وبعد ذلك على غرض الممانعة عن تنفيذ أعمال الصلاحية التكميلية للمحكمة وأن يستندوا كدفاع إلى البند الـ«ج» للمادة العشرين لميثاق رم حول منع المحاكمة المجددة وهذه مسألة درسناها في هذه الدراسة. على أساس الحصيلة التي وصلنا إليها في هذه الدراسة يبدو أن استناد منتهكي حقوق الإنسان استنادًا إلى العفو أو الصفح على أساس قاعدة منع المحاكمة المجددة، لا يصير مانعًا عن محاكمتهم من ناحية المحكمة؛ مع أن في الأخير أخذ القرار في هذا المجال يقع في إطار صلاحية المحكمة.

المفردات الرئيسية: المحكمة الجزائية الدولية، العفو، الجرائم الدولية، قاعدة منع المحاكمة المجددة، اللجنة المحققة عن الواقع.

## الوقاية عن جريمة غسيل الأموال في النظام المالي والبنكي

□ السيد حسين الحسيني (أستاذ مساعد بجامعة فردوسي بمشهد)  
 □ أفشين آذري متين (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة الشهيد بهشتي)

لا شك في أن المصارف والمؤسسات المالية تعتبر كمراكز هامة للمبادلات المالية. لذلك استخدام تدابير خاصة ومؤثرة للحيلولة دون دخول الأموال اللا شرعية إلى النظام البنكي لها أهمية بالغة. وللوصول إلى هذه الغاية، من الضروري في المرحلة الأولى أن يُجرى تدابير حاسمة ورعاية خاصة من ناحية البنك المركزي عند تأسيس البنوك والمؤسسات المالية وتنفيذ العملية المضادة لغسيل الأموال. وبما أن النظام البنكي الحديث صار بديلاً للنظام البنكي التقليدي والقرطاسي، فعليه من اللائق للنظام البنكي الحديث على غرض التعرف على المعاملات البنكية المشكوكة بغسيل الأموال وكوقاية فنية، أن يمهد الآليات ومراكز دفع النقود المجهزة بالأساليب الدقيقة. الخطوة الثانية هي التحفظ على المعايير البنكية لمكافحة غسيل الأموال كضوابط حول إحراز الهوية وتقسيم وتصنيف الأشخاص وتعيين مستوى فعالية زبائن البنك وروابط البنك مع بقية البنوك.

المفردات الرئيسية: جريمة غسيل الأموال، المعاملات المشكوكة، البنك المركزي، النظام البنكي الإلكتروني، الوقاية.

## الدفاع المشروع الظاهريّ

□ فيروز المحموديّ جانكيّ (عضو الهيئة التدريسيّة بجامعة طهران)  
 □ آزاده الصادقيّ (طالبة بمرحلة الدكتورا بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة تربية المدّرس)

في الدراسة الراهنة نستهدف مناقشة الآراء والأقوال الحقوقيّة حول الذين يعتقدون صادقاً وساذجاً أنّهم في معرض هجوم الآخرين ورأوا أنّه يجب عليهم الدفاع عن أنفسهم ولكن الأمر في الواقع ليس هكذا، وعلى أساس هذا الشعور بالهجوم، يدافعون عن أنفسهم. ما الوضعيّة الحقوقيّة وما حكم هذا الدفاع؟ والجدير بالذكر أنّ ثمة ثلاث نظريّات حول هذه المسألة. النظريّة الأولى تجعل عمل المرتكب في حقل الرفع، والنظريّة الثانية ترى أنّ هذا العمل من قبيل الدفاع المشروع والنظريّة الثالثة ناقشت ودرست هذا العمل من حيث إيجاد العنصر المعنويّ للجريمة أو عدمه كأحد الأركان اللازمة لوقوع الجريمة. ومما يجب أن نشير إليه أنّ هذا الموضوع قد نوقش وعولج من منظور النظام القانونيّ لإيران والفقهاء؛ فإنّ هاهنا عدد من القانونيين يرى أنّ هذا العمل الظاهريّ مجاز وطائفة أخرى من القانونيين لا يسوّغون هذا العمل والحال أنّ النظام القانونيّ لإيران ساكت حول هذا العمل. حصيلة الدراسة أنّ الدفاع الظاهريّ في ظروف خاصّة منها تقصير المهاجم الظاهريّ في تغليب المدافع الظاهريّ واعتقاد المدافع الظاهريّ المعقول في وجود الخطر أن يكون من الأسباب المبرّرة للدفاع ومع تواجد ظروف خاصّة أخرى ومن جملتها عدم تقصير المهاجم الظاهريّ في التباس المدافع الظاهريّ واعتقاد المرتكب المعقول بوجود الخطر أن يكون من العلل الرافعة للمسؤوليّة الجزائيّة.

المفردات الرئيسيّة: الدفاع المشروع، الدفاع الظاهريّ المشروع، الأسباب المبرّرة، الأسباب الرافعة، المعقوليّة، كون الخطر قريب الوقوع، الالتباس.

## جريان الخيارات في الإقالة

□ روح الله السپهریّ  
 □ أستاذ مشارك بالجامعة الحرّة بنراق

أحد المبادئ والقواعد الهامّة في عمليّة المحاكمة هي مسألة صلاحية السلطات والمراجع القضائيّة. هذا المبدأ ينشأ من مبدأ هامّ آخر وهو مبدأ كون المحكمة قانونيّة



ويُعدّ من القواعد الآمرة في المحاكمة الجزائية. وهذا على صيغة ليس لطرفي الدعوى أن يوافقا على غير ما وضع وأسس القانون للمحكمة. وتجدر الإشارة إلى أنّ هذا المطلب من موارد تمييز المحاكمة الجزائية عن المحاكمة المدنيّة. مع ذلك في أصول المحاكمات الجزائيّة وفي قضية الصلاحيّة المحليّة، قد أعطى المقتنّ، مسوّغ العدول على أساس ظروف ومقتضيات خاصّة ومعينة إلى بعض السلطات وفي ظروف خاصّة. في الواقع هذا الأمر يحسب من قبيل نقض الصلاحيّة المحليّة واستثناء لهذه القاعدة. وهذا الأمر التفت إليه في نظامي أصول المحاكمات لإيران وفرنسا. اعتباراً لأهميّة الموضوع نحتاج إلى تبريرات متقنة وقوية لرفع الصلاحيّة عن المرجع القضائيّ الواجد لهذه السلطة. أحد هذه التبريرات هي مقولة التحفّظ للنظم والأمن العامّ والتي التفت إليها المقتنّ الإيرانيّ والفرنسيّ مع اختلافات قليلة. من الواضح أنّ في بعض الموارد سهولة المتابعة والتسريع في عمليّة التحقيقات يمكن أن يعتبر من أحد هذه التبريرات. في المادّة الراهنة حاولنا ضمن التعرّض لهذه التبريرات ومقارنتها في النظامين القانونيّين المذكورين أن ندرس ونناقش مستوى نزعة كلا المقتنّين في تجويز هذا الموضوع الاستثنائيّ في عمليّة المحاكمة الجزائية. التعرّف على هذا الموضوع ومقارنته له دور هامّ في تضمين حقوق المتّهم والمجرم والمجتمع كلاعبين في عمليّة المحاكمة الجزائية.

المفردات الرئيسيّة: المحاكمة الجزائية، الصلاحيّة العمليّة، صلاحيّة المحكمة، الاستثناء، النقض، النظم والأمن العامّ.